

## تحلیل جمعیت‌شناختی بیکاری جمعیت فعال در استان‌های مختلف کشور بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵

مریم نهاوندی\*

افشین خاکی نجف‌آبادی☆

ایران کشوری وسیع، با اقلیم‌های جغرافیایی، خرده‌فرهنگ‌ها، ساختارهای اجتماعی-جمعیتی گوناگون و سیاست‌های اشتغال و توسعه متفاوت در نقاط مختلف است. بنابراین می‌توان انتظار داشت بیکاری که تابعی از ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاست‌های حکومتی است در تمام فضای جغرافیایی کشور یکسان نباشد. شناخت توزیع جغرافیایی بیکاری در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های حوزه اشتغال حائز اهمیت است. این مقاله، با تحلیل وضعیت بیکاری در استان‌های کشور و دسته‌بندی استان‌ها براساس شاخص‌های بیکاری، عوامل جمعیتی مؤثر بر بیکاری را با نگاهی جزئی‌نگر بررسی می‌کند. روش تحقیق مورد استفاده، مطالعه اسنادی و همچنین تحلیل ثانویه داده‌ها و نتایج سرشماری اخیر کشور است. بدین منظور از روش‌های خوشه‌بندی آماری و ضریب همبستگی پیرسون برای انجام محاسبات آماری استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نسبت بیکاری در بین استان‌های کشور تفاوت قابل توجه‌ای دارد. براساس نتایج، بالا بودن سهم جمعیت واقع در سن فعالیت شرط لازم و بالا بودن سهم جمعیت فعال شرط کافی برای بالا بودن نرخ بیکاری در هر استان است.

واژگان کلیدی: بیکاری، جمعیت فعال، مهاجرت، سواد، مشارکت اقتصادی، تحلیل ثانویه، خوشه‌بندی.

## مقدمه

سال ۱۳۳۵ اولین سرشماری نفوس و مسکن در ایران انجام و از آن زمان تاکنون ۶ سرشماری در کشور انجام شده است. این سرشماری‌ها را باید از جمله معدود منابع داده در کشور دانست که محققان، برنامه‌ریزان و مدیران کشوری و منطقه‌ای در حوزه‌های تخصصی مختلف می‌توانند از آن استفاده نمایند. این داده‌ها از معدود منابع اطلاعاتی است که امکان مطالعات پانلی را برای محققان مهیا می‌کند. ولی اطلاعات سرشماری‌ها علی‌رغم استخراج‌ها و تحلیل‌های پایه‌ای که توسط مرکز آمار ایران به روی آن‌ها انجام می‌شود، اطلاعات و داده‌های خامی هستند که باید به آن‌ها به عنوان منابع اولیه برای تحلیل‌های بیشتر نگریست. این تحلیل‌ها می‌تواند زوایا و نقاط پنهان از نظر برنامه‌ریزان کلان‌کشوری را آشکار سازد. چرا که برنامه‌ریزی برای هر جامعه‌ای بدون شناخت آن امکان‌پذیر نیست و آمار می‌تواند مبنایی برای شناخت جامعه در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهد. برنامه‌ریزی برای هر جامعه به شدت نیازمند به آمار و اطلاعات مربوط به آن جامعه است. در تقویم رسمی کشور ایران نیز روز اول آبان به نام روز آمار و برنامه‌ریزی نامگذاری شده است که تأکید مضاعفی بر این موضوع دارد.

معمولاً در جوامعی که از نظر تحرک اجتماعی باز و یا نیمه باز نامیده می‌شوند و امکان انتقال یک فرد از پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر وجود دارد کار، موتور تحرک اجتماعی است و اگرچه ممکن است که علاوه بر کار وضعیت خانوادگی، اوضاع سیاسی-اقتصادی جامعه و شانس نیز در پیشرفت یک فرد تأثیرگذار باشد (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۷۷: ۱۳-۱۴).

بیکار، به افرادی از جمعیت فعال اطلاق می‌شود که، در سن فعالیت اقتصادی بوده و مایل و آماده به کار باشند، ولی به علت عدم امکان اشتغال، کار درآمدزایی نداشته باشند. بیکاری تداعی‌کننده جوانانی است که جویای کار هستند. این موضوع به عنوان یک مسأله دشوار اقتصادی و اجتماعی در شرایطی مطرح می‌شود که تعداد زیادی از افراد واقع در سن کار نتوانند برای مدت معینی، شغلی به دست آورند. مسئله بیکاری دست‌کم از نظر اکثریت مردم حادثه‌ای فردی و احتمالاً وضعیتی متناوب و ناپایدار برای گروهی از افراد است و اغلب آن را حالتی مستمر و دائمی نمی‌دانند. اگر غیر از این بود، خیل عظیم جمعیت نامتجانس بیکاران در مقابل این نابسامانی دست به اقدامی گروهی می‌زدند (گرینت، ۱۳۸۵: ۶۷).

در کشورهای در حال توسعه به دلیل میزان بالای رشد جمعیت، جمعیت ساختار هرمی با قاعده‌ی وسیع دارد که پس از مدتی جمعیت زیر ۱۴ سال (قاعده هرم) وارد سن فعالیت می‌شوند. به دلیل محدودیت منابع، امکان ایجاد فرصت شغلی برای همه متقاضیان شغل وجود ندارد و در نتیجه جامعه با بیکاری یا کم‌کاری مواجه می‌گردد، میزان بیکاری بالا در سطح جامعه

باعث می‌شود که به دست آوردن شغل، صرف نظر از محتوا و غنای آن مد نظر قرار گیرد و عملاً فرد با هر شرایطی به خاطر حفظ شغل کنار بیاید (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۷۷: ۲۸).

جدا از تبعاتی که بیکاری برای اقتصاد کشور در سطح کلان دارد، با دیدی خردنگر بیکاری جوانان و فقدان درآمد آن‌ها مانعی اساسی در جهت استقلال آن‌ها به حساب می‌آید. وابستگی مالی جوانان به خانواده‌ها فشار قابل توجهی به اقتصاد خانواده وارد می‌کند که ممکن است با طرد اجتماعی فرد از خانواده همراه باشد و در درازمدت زمینه‌ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی از قبیل هنجارشکنی، رفتارهای پرخاشگرانه نسبت به والدین و جامعه، مصرف سیگار، مواد مخدر، سرخوردگی و بیماری‌های روانی، تأخیر در ازدواج، طلاق و انحرافات اخلاقی باشد.

«طی دهه ۱۹۶۰ در بسیاری از کشورهای در حال توسعه درآمد سرانه به طور بی‌سابقه‌ای افزایش پیدا کرد. نرخ رشد اقتصادی این کشورها از کشورهای صنعتی امروز در مراحل اولیه توسعه اقتصادی فراتر رفت» (امین‌زاده، ۱۳۵۸: ۲۲). متأسفانه این تحول فقط در بخش کوچکی از اقتصاد این جامعه‌ها که از تکنولوژی‌های سرمایه‌طلب سود می‌برد به وقوع پیوست و تأثیر آن بر بخش‌های سنتی روستایی و کارگرطلب شهری بسیار اندک بود. در نتیجه سود رشد متوجه بخش محدودی گردید، در حالی که در سایر بخش‌ها رکود و سکون تولدی سرانه همچنان ادامه داشت. «عوامل مؤثر در ایجاد این توسعه نامتعادل بسیار است که شاید مهمترین آن میراث استعمار گذشته باشد. در این جامعه‌ها ساخت و تولید، شکل دولت، الگوی مالیاتی، نظام آموزشی و توزیع ثروت معمولاً در زمان رژیم‌های بیگانه شکل گرفته است. وجود سازمان‌های بی‌کفایت با سیاست‌های غیرعاقلانه موجب تضعیف قدرت سرمایه‌گذاری‌ها، انتخاب روش‌های نامطلوب و نامناسب تولید، بهره‌وری پایین و ناقص کارگر، سرمایه و زمین و تمرکز در دست گروه خاصی از افراد می‌گردد» (امین‌زاده، ۱۳۵۸: ۲۲). اگرچه کشور ایران هیچگاه مستعمره نبوده ولی در دهه‌های دور طعم حکومت‌های وابسته به استعمار و سیاست‌های آن‌ها را چشیده است. از آنجا که بیش از یک قرن از مبارزات ایرانیان برای کسب استقلال، آزادی و حکومت‌های کارا و مردمی و بیش از سی سال از وقوع انقلاب اسلامی که این شعارها از اهداف اصلی آن بوده می‌گذرد، شناخت وضعیت بیکاری در نقاط مختلف کشور برای برنامه‌ریزی در جهت حذف آثار سوء گذشته مفید و لازم به نظر می‌رسد. بنابراین شناخت وضعیت بیکاری در درجه اول و سپس بررسی عوامل مؤثر بر آن و تغییرات ناشی از آن در سطح کشور، با دیدی جزئی و منطقه‌ای به جای کلان‌نگری می‌تواند در این راستا کمک‌کننده باشد. بنابر آنچه گذشت این مقاله در تلاش است که وضعیت بیکاری را در استان‌های مختلف بررسی نماید و به یک دسته‌بندی علمی از استان‌های مختلف کشور براساس میزان بیکاری در آن‌ها دست پیدا کند و

سپس عوامل جمعیتی مؤثر بر بیکاری و متأثر از آن را نیز به همین ترتیب، با نگاهی جزئی و در سطح استان‌های مختلف کشور بررسی نماید. در این راستا به این سئوالات پاسخ دهد که وضعیت بیکاری در استان‌های مختلف کشور چگونه است؟ جمعیت فعال به چه نحوی در استان‌های مختلف پراکنده شده‌اند؟ جمعیت ۱۵ تا ۶۵ سال چه نسبتی از جمعیت هر استان را تشکیل داده و آیا رابطه‌ای بین جمعیت ۱۵ تا ۶۵ سال و نسبت بیکاری وجود دارد؟ آیا رابطه‌ای بین جمعیت فعال و نسبت بیکاری وجود دارد؟ پراکندگی مهاجران کار استان‌های مختلف چگونه است و آیا رابطه‌ای بین مهاجران جویای کار و بیکاری در هر استان وجود دارد؟ وضعیت مشارکت اقتصادی در استان‌های کشور به چه شکلی است و آیا رابطه‌ای بین مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری (و نرخ بیکاری جوانان) وجود دارد؟

### مبانی نظری

#### جمعیت نامتناسب عامل اصلی بیکاری

نسبت به جمعیت نظریات مختلفی ابراز شده است که در آن میان تئوری جمعیت مالتوس بیش از هر نظریه دیگری در دو قرن اخیر مورد بحث واقع گردیده است. چون شرط اصلی اشتغال افراد را در هر کشور وجود منابع طبیعی و سرمایه تشکیل می‌دهد لذا جمعیت متناسب هر کشور در یک زمان معین، جمعیتی است که به تناسب آن سایر عوامل تولید در کشور مزبور فراهم باشد. «مالتوس مهمترین علت بدبختی توده‌ها را افزایش و زیادی فوق‌العاده جمعیت می‌داند. مالتوس می‌گوید جمعیت به تصاعد هندسی رشد می‌کند و مواد غذایی به نسبت تصاعد عددی در ترقی هستند. ترقیاتی علمی که بعدها به وجود آمد صحت نظریات مالتوس را متزلزل ساخت. پیشرفت‌هایی که در زمینه کشاورزی پیدا شد از قبیل حفاظت و تقویت خاک و پیشرفت‌های علوم فیزیکی و امکاناتی که در این رشته از علوم در تهیه مواد غذایی مصنوعی ایجاد نمود به توسعه مواد غذایی کمک فراوان کرد» (سپهر، ۱۳۴۵: ۱۵-۱۷).

طبق تئوری حد متناسب، حداکثر سطح زندگی ممکن در یک کشور با میزان معینی از جمعیت حاصل می‌گردد. این میزان حدی است که اگر جمعیت از آن متجاوز گردد وسایل معاش امکانات کمتری در اختیار آن‌ها می‌گذارد و اگر جمعیت از این حد پایین بیافتد تقسیم کار که لازمه حداکثر تولید است امکان نمی‌یابد. «باید دانست که در هر محیطی امکانات تولیدی و جمعیت همواره متقابل به تعادل هستند و علت این تعادل آن است که بشر در کوشش‌های خود برای توسعه همیشه به آن حد از جمعیت متوجه است که ملاحظات محیط، درجه مهارت نیروی کار و عادات و آداب مردم و سایر عوامل حداکثر بازده سرانه را برای آن جمعیت ممکن نماید» (سپهر، ۱۳۴۵: ۱۹).

به‌طور کلی وضعیت اشتغال و بیکاری افراد در بازار کار تابع میزان عرضه و تقاضای نیروی کار است. در صورت بالا بودن میزان عرضه نیروی کار و پایین بودن میزان تقاضا، نرخ بیکاری افزایش یافته و نرخ اشتغال کاهش می‌یابد و بالعکس در صورت بالا بودن میزان تقاضا و پایین بودن عرضه نیروی کار، نرخ اشتغال افراد متقاضی کار افزایش می‌یابد (احمدیان، ۱۳۸۳: ۴۲).

### عوامل مؤثر بر عرضه نیروی کار

در اساس عرضه نیروی کار به رشد جمعیت، ترکیب سنی، جنسی و نرخ مشارکت در هر یک از گروه‌های جمعیتی وابسته است. رشد زیاد جمعیت موجب تسریع رشد عرضه نیروی کار در آینده می‌شود (کاظمی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۲). ترکیب سنی و جنسی جمعیت نیز بر عرضه نیروی کار مؤثر است. هرچه نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر (یعنی افرادی که براساس تعریف آماری می‌توانند وارد بازار کار شوند) به کل جمعیت بیشتر باشد، عرضه نیروی کار بیشتر است. کم یا زیاد بودن سهم زنان در بازار کار کشور نیز در عرضه نیروی انسانی نقش مهمی دارد (فرجادی، ۱۳۷۹: ۲۶۲، به نقل از کاظمی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۲). احمدیان در تحقیق خود که به روی آمار مرتبط با حوزه اشتغال در بین سال‌های ۸۰-۱۳۶۵ کل کشور انجام داده، رابطه مستقیمی بین سهم جمعیتی نسل جوان و نرخ بیکاری جوانان به دست آورده است. وی همچنین نشان داده که با افزایش سهم جمعیتی نسل جوان، نسبت فعالان دارای تحصیلات عالی به جمعیت فعال نیز افزایش یافته و با افزایش نسبت فعالان دارای تحصیلات عالی به جمعیت فعال، نرخ بیکاری آن‌ها نیز افزایش یافته است. وی همچنین تفاوت معناداری در نرخ بیکاری استان‌های مختلف کشور در بازه زمانی مورد مطالعه خود به دست آورده است (احمدیان، ۱۳۸۳: ۲۵-۱۲۰).

### تعاریف مرکز آمار در سرشماری سال ۱۳۸۵

برای استفاده از آمار ارائه شده در سرشماری اخیر توسط مرکز آمار ایران ابتدا لازم است تعاریف متغیرهای سنجیده شده را مرور کنیم. کار، آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی (فکری یا بدنی) است که به منظور کسب درآمد (نقدی یا غیرنقدی) انجام شود و هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمت باشد. فعالیت افراد زیر نیز به عنوان مصادیق کار محسوب می‌شود.

افرادی که بدون دریافت مزد در کسب و کار یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی دارند کار می‌کنند (کارکنان فامیلی بدون مزد). افرادی که در حال انجام خدمت وظیفه هستند، افرادی که خدمت در بسیج و مؤسسات خیریه شغل آنان محسوب شده و از این

بابت مزد و حقوق دریافت می‌کنند. افرادی که به منظور کسب درآمد یا سود در محل سکونت کارهای خدماتی یا تولیدی نظیر قالی‌بافی، خیاطی، آرایشگری، تایپ، تدریس خصوصی، تعمیر وسایل برقی، نگهداری از کودک یا فرد سالخورده و... انجام می‌دهند. افرادی که برای تولید کالاهای با دوام به فعالیت‌هایی نظیر قالی‌بافی، گلیم‌بافی، حصیربافی، خیاطی و... برای مصرف خود یا خانوار خود مشغول هستند. افرادی که در حال ساختن، بازسازی یا تعمیر اساسی منزل خود هستند. افرادی که به عنوان کارآموز، کاری در ارتباط با فعالیت محل کارآموزی انجام می‌دهند، یعنی به‌طور مستقیم در تولید کالا یا خدمت سهم هستند، اعم از آن که مزد یا حقوق دریافت کنند یا نه.

**وضع فعالیت:** در این سرشماری، وضع فعالیت افراد در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری مورد نظر بوده است. هر یک از افراد از این نظر و با توجه به تعریف کار، در یکی از گروه‌های زیر قرار می‌گیرند.

**شاغل:** فردی که مطابق با تعریف کار و مصادیق آن در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار کرده، هرچند در شغل معمولی خود کار نکرده باشد، شاغل محسوب می‌شود. علاوه بر این، افراد دارای شرایط زیر نیز شاغل به حساب می‌آیند.

افرادی که دارای شغلی هستند ولی در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند. افرادی که در فعالیت‌های کشاورزی برای خود کار می‌کنند و به دلیل فصلی بودن کارشان در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری کار نکرده‌اند. افرادی که به دلیل نوبتی بودن کارشان در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری سر کار خود نرفته‌اند. افرادی که از سازمان محل کار خود بورسیه تحصیلی گرفته‌اند و مشغول به تحصیل هستند و به این دلیل در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری کار نکرده‌اند. افرادی که به دلیل مرخصی، تعطیلات، بیماری و مسافرت و... در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری سر کار خود نرفته‌اند. افرادی که به دلایلی نظیر تغییرات موقت سازمانی یا خرابی دستگاه‌ها و ماشین‌آلات، نداشتن مشتری یا سفارش کار به‌طور موقت سر کار خود نرفته‌اند. افرادی که از کار خود معلق شده‌اند ولی پیوند رسمی شغلی دارند.

**بیکار:** افرادی که در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند و دارای شغلی نیز نبوده‌اند در صورت داشتن دو شرط بیکار محسوب می‌شوند. ۱- در ۳۰ روز گذشته برای جستجوی کار، اقدامات مشخصی را نظیر ثبت‌نام یا پیگیری در مؤسسات کاریابی، پرس‌وجو از دوستان، تماس با کارفرمایان، مطالعه آگهی‌های استخدامی و... انجام داده باشند. ۲- آماده به کار باشند، یعنی طی یک دوره ۱۵ روزه شامل ۷ روز گذشته و ۷ روز آینده آمادگی

شروع کار را داشته باشند. همچنین افراد دارای شرایط زیر بیکار محسوب شده‌اند: افرادی که در انتظار شروع کار جدید هستند، یعنی برای آنان کاری مهیا شده و قرار است در آینده به آن کار مشغول شوند و نیز آماده به کار (طبق تعریف) هستند.

افرادی که در انتظار بازگشت به شغل قبلی و نیز آماده به کار (طبق تعریف) هستند. منظور از «در انتظار بازگشت به شغل قبلی» این است که فرد قبلاً دارای کار بوده و به دلایلی کار خود را از دست داده و پیوند رسمی شغلی ندارد ولی در انتظار بازگشت به شغل خود به سر می‌برد.

### روش‌شناسی

بسیاری اوقات برای پژوهشگران به دست آوردن نمونه معرف مناسب تحلیل بسیار مشکل است، به ویژه وقتی لازم باشد که داده‌ها در سطح گسترده‌ای همچون یک منطقه، سطح کشور یا بین کشورهای مختلف جمع‌آوری شود. گردآوری داده برای مطالعات طولی و تحلیل مقایسه‌ای در طول زمان نیز مشکل جمع‌آوری داده و انجام پژوهش را دوچندان می‌کند که حتی ممکن است به انصراف پژوهشگران از انجام پژوهش منجر شود. «اما در بسیاری از موارد راه دیگری هم وجود دارد: از داده‌هایی که مؤسسات یا محققان دیگری گردآوری کرده‌اند می‌توان به اقتصادی مسئله سود جست. به چنین تحلیلی تحلیل ثانوی<sup>۱</sup> می‌گویند» (دواس، ۱۳۸۳: ۸۱)

تحقیقات وسیعی که از جانب سازمان‌های دولتی (همچون مرکز آمار) انجام می‌پذیرد، داده‌های گسترده‌ای از نگرش‌ها، رفتار و خصوصیات شخصی دارند که برای فراتر از اهداف مورد نظر پیمایش اولیه مناسب‌اند. معمولاً این داده‌ها چون با هزینه عمومی تهیه می‌شوند با قیمت ناچیزی در اختیار محققان قرار می‌گیرند. یکی از منابع عمده اطلاعاتی برای جامعه‌شناسان، اطلاعاتی است که از طریق سرشماری عمومی جمع‌آوری و منتشر می‌شود. داده‌هایی که از طریق سرشماری‌های عمومی ده‌ساله و سرشماری‌های منطقه‌ای و محلی در فواصل زمانی کوتاه‌تر به دست آمده است. منبع عظیمی از اطلاعات است که می‌تواند در زمینه‌ها مختلف مورد استفاده محققین قرار گیرد. «در پاره‌ای از کشورها مانند استرالیا یک درصد نمونه از داده‌های سرشماری در اختیار محققان قرار می‌گیرد که نمونه احتمالی بسیار عالی و مجموعه اطلاعات بزرگی است که می‌توان برای مطالعه دامن گسترده‌ای از موضوع‌های مهم مورد استفاده قرار گیرد» (دواس، ۱۳۸۳: ۸۲) با خرید این اطلاعات کل مراحل ساختن پرسشنامه، نمونه‌گیری و اجرای آن حذف می‌گردد. تحلیل ثانویه داده‌ها با مزیت سرعت بیشتر، حداقل هزینه و نمونه

مناسب تحقیق پیمایشی و تحلیل را به روی طیف وسیعی از محققان می‌گشاید. البته موانع و مشکلاتی هم در تحلیل ثانویه وجود دارد که مهمترین آن نبود اطلاعات برای مسئله تحقیقی مورد نظر است. چرا که ممکن است سئوالات طراحی شده برای تحقیقات پیشین، متناسب با مسئله تحقیقات بعدی نباشد. در این پژوهش از اطلاعات موجود در سرشماری‌های مرکز آمار ایران استفاده شده است. که در این راه نیز با دو مشکل اساسی روبرو هستیم. مشکل اول: محرمانه بودن اطلاعات پرسشنامه‌های خانوار. بنابر قوانین مرکز آمار به منظور رعایت اصل محرمانگی اطلاعات، امکان استفاده از داده‌های خام سرشماری برای محققان به صورت جزئی و در ارتباط با یک محدوده خاص وجود ندارد (البته در سرشماری ۱۳۸۵ یک نمونه دو درصدی از کل کشور در دسترس قرار گرفته است). مشکل دوم: دسترسی به اطلاعات موجود در سرشماری‌های قبلی است چرا که برخی از جداول آماری موجود در سال ۱۳۸۵ در سرشماری‌های قبلی موجود نمی‌باشد.

روش تحلیل مورد استفاده در این پژوهش روش خوشه‌بندی آماری است. خوشه‌بندی آماری یکی از تکنیک‌های حوزه خوشه‌بندی است. خوشه‌بندی از جمله مباحث مطرحه در حوزه علوم محاسباتی است که زیرمجموعه نظریه رسته‌ها قرار می‌گیرد. کارکرد اصلی نظریه رسته‌ها سازماندهی به ساختارهایی خوشه‌ای است که با اشکال متفاوت، به عنوان رده‌ها (یا طبقات) در مقاصد مختلف طبقه‌بندی به کار می‌روند. اساس عملکرد خوشه‌بندی این است که نقاط به اندازه کافی نزدیک به یکدیگر در فضای ویژگی یک الگو، به عنوان نقاط هم طبقه شناخته شده و مجموعه آن‌ها یک خوشه را تشکیل می‌دهند. منظره‌های اصلی که در خوشه‌بندی به کار می‌روند به سه گروه اصلی نمادین / منطقی، زیر نمادین و ریاضی / آماری می‌باشد (بدیع و دیگران، ۱۳۸۴: ۱-۳) با توجه به ماهیت داده‌های موجود، مناسبترین روش برای رسته‌بندی، خوشه‌بندی آماری است. خوشه‌بندی آماری یکی از تکنیک‌های استاندارد برای شناسایی طبقات هم‌ارز داده‌ها محسوب می‌شود. در این روش با استفاده از روش‌های آماری به خوشه‌بندی و طبقه‌بندی کردن داده‌ها پرداخته می‌شود و لذا در تحقیقاتی که طبقه‌بندی و تحلیل آماری مد نظر است کاربرد بیشتری دارد. از این روش می‌توان برای بررسی هم‌بافت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و به منظور تحلیل داده‌های توصیفی استفاده کرد (بدیع و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۷۷-۱۷۹). از مشکلات خوشه‌بندی می‌توان به یکسان نبودن نتایج الگوریتم‌های مختلف خوشه‌بندی اشاره کرد وقتی که اشتراک قابل ملاحظه‌ای بین گروه‌های اولیه وجود داشته باشد، تجزیه و تحلیل خوشه‌بندی ممکن است جوابی کاملاً متفاوت از وضعیت حقیقی ارائه نماید (مانلی، ۱۳۷۳: ۱۳۵).

## یافته‌ها

جدول شماره ۱ جمعیت بالای ده سال، جمعیت فعال بالای ده سال، جمعیت شاغل و جمعیت بیکار و نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال بالای ده سال را در استان‌های مختلف براساس نتایج سرشماری سال ۸۵ نشان می‌دهد. کمترین نسبت بیکاری در بین استان‌های کشور مربوط به استان یزد با  $7/9\%$  درصد و بالاترین نرخ مربوط به سیستان و بلوچستان با  $31/5\%$  درصد می‌باشد. بقیه استان‌ها نیز ارقامی بین این دو عدد را به خود اختصاص داده‌اند. با استفاده از نرم‌افزار spss، استان‌های مختلف کشور براساس نسبت بیکاری به دست آمده در جدول ۱، به سه خوشه تقسیم شده‌اند. جدول شماره ۲، جدول آنالیز واریانس مربوط به خوشه‌بندی آماری انجام شده است. مقدار آماره فیشر ( $F=161/8$ ) به دست آمده برای داده‌های موجود و سطح معنی‌داری معادل آن ( $sig=0.000$ )، کوچکتر از  $0/05$  است، که نشان می‌دهد خوشه‌بندی انجام شده حداکثر فاصله ممکن بین اعضای هر خوشه را لحاظ کرده و مجزا بودن خوشه‌ها از همدیگر معنادار می‌باشد.

جدول ۱- خوشه‌بندی استان‌های کشور براساس نرخ بیکاری سرشماری سال ۱۳۸۵

شماره خوشه	نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال	جمعیت بیکار	جمعیت شاغل	نسبت جمعیت فعال به بالای ده سال	جمعیت فعال بالای ده سال	جمعیت بالای ده سال	
۱	۱۱/۴٪	۴۶۲۴۹	۳۶۱۸۰۷	۳۹/۳٪	۴۰۸۱۵۶	۱۰۳۸۹۲۴	اردبیل
۱	۱۰/۵٪	۱۶۵۵۰۱	۱۴۰۳۸۲۸	۴۰/۱٪	۱۵۶۹۳۲۹	۳۹۲۴۳۲۳	اصفهان
۳	۲۷/۲٪	۴۹۴۶۰	۱۳۲۴۹۰	۳۹/۱٪	۱۸۱۹۵۰	۴۶۴۹۱۵	ایلام
۱	۹/۶٪	۱۲۲۸۰۲	۱۱۵۵۲۲۲	۴۱/۴٪	۱۲۷۸۰۲۴	۳۰۸۳۸۸۶	آذربایجان شرقی
۱	۸/۹٪	۸۳۲۴۲	۸۵۶۶۴۸	۳۹/۳٪	۹۳۹۸۹۰	۲۳۸۹۹۳۱	آذربایجان غربی
۱	۹/۰٪	۲۶۷۵۴	۲۶۹۴۹۰	۴۰/۱٪	۲۹۶۲۴۴	۷۴۱۱۹۰	بوشهر
۱	۸/۴٪	۳۹۴۲۸۳	۴۲۹۷۰۴۲	۴۰/۵٪	۴۶۹۱۳۲۵	۱۱۵۸۲۴۶۷	تهران
۲	۱۸/۰٪	۵۱۴۴۶	۲۳۴۲۹۳	۳۹/۹٪	۲۸۵۷۳۹	۷۱۶۷۹۹	چهارمحال و بختیاری
۲	۱۶/۳٪	۳۷۵۸۴	۱۹۳۳۶۲	۴۴/۳٪	۲۳۰۹۴۶	۵۲۱۱۸۲	خراسان جنوبی
۱	۸/۲٪	۱۵۶۳۱۵	۱۷۳۹۵۰۵	۴۰/۹٪	۱۸۹۵۸۲۰	۴۶۳۵۴۸۷	خراسان رضوی
۱	۸/۰٪	۲۲۱۸۶	۲۵۶۴۸۲	۴۱/۷٪	۲۷۸۶۶۸	۶۶۷۸۲۴	خراسان شمالی
۲	۱۹/۳٪	۲۳۷۳۰۸	۹۹۲۰۳۶	۳۴/۸٪	۱۲۲۹۳۴۴	۳۵۳۰۰۶۴	خوزستان

ادامه جدول در صفحه بعد

۱	%۹/۴	۳۱۲۸۰	۳۰۲۷۰۶	%۴۰/۷	۳۳۳۹۸۶	۸۲۰۰۳۶	زنجان
۱	%۸/۴	۱۶۲۲۲	۱۷۶۶۹۳	%۳۸/۲	۱۹۲۹۱۵	۵۰۴۵۱۴	سمنان
۳	%۳۱/۵	۱۹۶۳۷۹	۴۲۶۶۹۴	%۳۵/۰	۶۲۳۰۷۳	۱۷۸۰۵۶۵	سیستان و بلوچستان
۱	%۱۱/۳	۱۵۵۵۱۱	۱۲۲۵۲۸۶	%۳۷/۳	۱۳۸۰۷۹۷	۳۷۰۶۶۷۰	فارس
۱	%۱۰/۸	۳۹۴۵۸	۳۲۵۵۶۶	%۳۷/۵	۳۶۵۰۲۴	۹۷۳۵۱۵	قزوین
۱	%۸/۱	۲۵۶۱۵	۲۹۱۵۴۱	%۳۶/۴	۳۱۷۱۵۶	۸۷۰۳۷۴	قم
۲	%۲۰/۲	۹۹۳۶۰	۳۹۲۵۹۵	%۴۰/۳	۴۹۱۹۵۵	۱۲۲۰۳۹۲	کردستان
۲	%۲۱/۰	۱۸۴۳۶۵	۶۹۱۶۰۱	%۴۰/۱	۸۷۵۹۶۶	۲۱۸۳۷۹۰	کرمان
۲	%۲۳/۲	۱۴۳۲۸۶	۴۳۶۶۰	%۳۸/۲	۶۱۶۹۶۶	۱۶۱۳۶۴۹	کرمانشاه
۲	%۱۹/۶	۳۴۳۳۷	۱۴۰۴۹۴	%۳۳/۳	۱۷۴۸۳۱	۵۲۴۷۱۷	کهگیلویه و بویراحمد
۱	%۱۲/۴	۶۸۹۰۵	۴۸۷۳۰۴	%۴۱/۲	۵۵۶۲۰۹	۱۳۴۹۶۲۳	گلستان
۲	%۱۴/۹	۱۳۰۱۳۸	۷۴۰۷۲۲	%۴۱/۴	۸۷۰۸۶۰	۲۱۰۳۱۴۷	گیلان
۳	%۲۹/۱	۱۶۹۸۹۳	۴۱۴۳۷۷	%۴۰/۲	۵۸۴۲۷۰	۱۴۵۳۰۱۹	لرستان
۱	%۱۰/۹	۱۱۰۱۷۱	۹۰۵۰۴۴	%۴۰/۰	۱۰۱۵۲۱۵	۲۵۳۷۲۱۳	مازندران
۱	%۱۰/۴	۴۵۶۹۸	۳۹۵۴۵۸	%۳۸/۰	۴۴۱۱۵۶	۱۱۶۰۶۶۶	مرکزی
۱	%۱۲/۲	۵۰۹۱۷	۳۶۷۶۸۹	%۳۷/۱	۴۱۸۶۰۶	۱۱۲۷۸۷۴	هرمزگان
۱	%۱۲/۳	۶۹۱۰۶	۴۹۴۲۵۰	%۳۸/۵	۵۶۳۳۵۶	۱۴۴۳۵۸۶	همدان
۱	%۷/۹	۲۸۴۲۷	۳۳۲۵۱۰	%۴۳/۴	۳۶۰۹۳۷	۸۳۲۴۰۵	یزد

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۸۵

جدول ۲- آنالیز واریانس (ANOVA)

Sig.	آماره فیشر	خطا		خوشه		متغیر
		درجه آزادی	میانگین مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	
۰/۰۰	۱۶۱/۸۹۲	۲۷	۰/۰۰	۲	۰/۰۶۱	نرخ بیکاری

بنابراین می‌توان استان‌های مختلف را با توجه به خوشه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند، استان‌های با نسبت بیکاری پایین (خوشه اول)، متوسط (خوشه دوم)، بالا (خوشه سوم) معرفی کرد. لازم به ذکر است که این نامگذاری (پایین، متوسط، بالا) نسبی است و براساس تقسیم دامنه تغییرات نسبت بیکاری استان‌های کشور در سرشماری ۸۵ به دست آمده است. مرکز نسبت بیکاری خوشه اول ۰/۰۹۹ (تقریباً ۰/۱)، خوشه دوم ۰/۱۹۱ و خوشه سوم که استان‌های با نسبت بیکاری

بالا در آن جای دارند رقم ۰/۲۹۳ به دست آمده است. خوشه سوم شامل سه استان سیستان و بلوچستان، لرستان و ایلام؛ خوشه دوم شامل ۸ استان خوزستان، خراسان جنوبی، گیلان، کرمان، کرمانشاه، کردستان، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد است. ۱۹ استان باقیمانده در خوشه اول قرار گرفته‌اند. این خوشه‌بندی نشان می‌دهد ۶۳/۳ درصد از استان‌ها در گروه اول خوشه ۲۶/۷ درصد در گروه دوم و ۱۰ درصد باقیمانده در گروه سوم قرار می‌گیرند. این نتایج نشان می‌دهد که تعداد استان‌های واقع در خوشه نسبت بیکاری پایین ۶ برابر تعداد استان‌های خوشه نسبت بیکاری بالا می‌باشد. بنابراین غالب استان‌های کشور با نسبت بیکاری مشابهی روبرو هستند.

جدول شماره ۳ فاصله بین مرکز خوشه‌ها را نشان می‌دهد. بنابراین نسبت بیکاری در خوشه دوم ۹/۲ نسبت به خوشه اول بیشتر است. نسبت بیکاری خوشه سوم نسبت به خوشه اول ۱۹/۴ درصد بیشتر و در نهایت خوشه سوم نسبت به خوشه دوم ۱۰/۲ درصد بیشتر است. بنابراین نسبت بیکاری خوشه سوم تقریباً ۳ برابر خوشه اول است.

نمودار ۱. متوسط نرخ بیکاری هر خوشه



جدول ۳- فاصله بین مرکز خوشه‌ها

خوشه	۱	۲	۳
۱		۹/۲٪	۱۹/۴٪
۲	۹/۲٪		۱۰/۲٪
۳	۱۹/۴٪	۱۰/۲٪	

پس از بررسی وضعیت بیکاری در استان‌های مختلف کشور و خوشه‌بندی انجام شده، عوامل جمعیتی مؤثر بر نرخ بیکاری را در بین استان‌های مختلف، با توجه به خوشه‌بندی انجام شده بررسی می‌کنیم.

سن و بیکاری: یکی از علت‌های اصلی مؤثر بر بیکاری در کشور ایران بالا بودن تقاضا برای کار و به بیان دیگر رشد سریعتر جمعیت نسبت به رشد امکانات و توانایی کشور در زمینه ایجاد مشاغل جدید است. احمدیان در تحلیل خود به روی آمار سال‌های ۸۰-۱۳۶۵ رابطه قوی و مستقیمی بین سهم جمعیتی نسل جوان و نرخ بیکاری‌شان به دست آورده است (احمدیان، ۱۳۸۳). بنابراین می‌توان چنین گفت که تعداد جمعیت موجود در سنین فعالیت (جمعیت بین

۱۵ تا ۶۴ سال) بر عرضه نیروی انسانی متقاضی کار، بالا رفتن جمعیت جویای کار و در نهایت نرخ بیکاری مؤثر است و می‌توان انتظار داشت که جمعیت واقع در گروه عمده سنی ۱۵ تا ۶۴ سال در استان‌هایی که نسبت جمعیت بیکار آن بالاست بیشتر باشد. برای بررسی این موضوع نسبت گروه عمده ۱۵ تا ۶۴ سال به بقیه گروه‌های عمده سنی برای هر استان محاسبه شده است. میانگین این نسبت در بین استان‌های ۶۹/۰۶٪ می‌باشد. بدین معنی که به‌طور متوسط در هر استان ایران ۶۹ درصد از جمعیت آن بین سن ۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارند. استان سیستان و بلوچستان با ۵۸/۲٪ کمترین و خوزستان با ۷۶/۶۵٪ بالاترین نسبت را دارا می‌باشند. استان‌های کشور براساس نسبت جمعیت واقع در سن فعالیت به سه گروه پایین، متوسط و بالا خوشه‌بندی شده‌اند. جدول ۴، جدول آنالیز واریانس مربوط به خوشه‌بندی آماری انجام شده است، مقدار آماره فیشر ( $F = 41/836$ ) به دست آمده برای داده‌های موجود و سطح معنی‌داری معادل آن ( $sig = 0.000$ ) که کوچکتر از ۰/۰۵ است، نشان می‌دهد که خوشه‌بندی انجام شده حداکثر فاصله ممکن بین اعضای هر خوشه را لحاظ کرده است.

جدول ۴- آنالیز واریانس خوشه‌بندی نسبت جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال (ANOVA)

سطح معنی‌داری	مقدار آماره F	خطا		خوشه		
		درجه آزادی	میانگین مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	
۰/۰۰	۴۱/۸۳۶	۲۷	۲/۸۱۱	۲	۱۱۷/۵۸۸	نسبت گروه عمده سنی ۱۵ تا ۶۴ سال به کل جمعیت

خوشه اول (پایین) شامل استان سیستان و بلوچستان با ۵۸/۲٪، خوشه دوم (متوسط) شامل ۱۳ استان با میانگین ۶۷/۲۵٪ و خوشه سوم (بالا) شامل ۱۶ استان با میانگین ۷۱/۲۲٪ می‌شوند. جدول ۵ استان‌ها، نسبت گروه عمده جمعیتی ۱۵ تا ۶۴ سال و شماره خوشه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند را نشان می‌دهد.

جدول ۵- شماره خوشه و نسبت جمعیت گروه عمده سنی ۱۵ تا ۶۴ سال  
به کل جمعیت برای هر استان

شماره خوشه	نسبت جمعیت گروه عمده سنی ۱۴ تا ۶۵ سال به کل	نام استان	شماره خوشه	نسبت جمعیت گروه عمده سنی ۱۴ تا ۶۵ سال به کل	نام استان
۳	۷۰/۹۲	فارس	۳	۷/۶	آذربایجان شرقی
۳	۷۰/۵۹	قزوین	۲	۶۷/۴۳	آذربایجان غربی
۳	۶۹/۸	قم	۲	۶۸/۱۹	اردبیل
۲	۶۸/۴۵	کردستان	۳	۷۲/۱۳	اصفهان
۲	۶۶/۹۷	کرمان	۳	۷۰/۱	ایلام
۳	۷۰/۲۸	کرمانشاه	۳	۷۰/۲۵	بوشهر
۲	۶۶/۷۸	کهگیلویه و بویراحمد	۳	۷۳/۶۳	تهران
۲	۶۸/۵۳	گلستان	۲	۶۷/۷۷	چهارمحال و بختیاری
۳	۷۱/۴۵	گیلان	۲	۶۴/۳۹	خراسان جنوبی
۲	۶۸/۶۶	لرستان	۲	۶۷/۶۶	خراسان رضوی
۳	۷۲/۷	مازندران	۲	۶۵/۷۱	خراسان شمالی
۳	۶۹/۹۶	مرکزی	۳	۷۶/۶۵	خوزستان
۲	۶۵	هرمزگان	۲	۶۸/۷۷	زنجان
۳	۶۹/۶	همدان	۳	۷۱/۳۳	سمنان
۳	۶۹/۵۸	یزد	۱	۵۸/۲	سیستان و بلوچستان

همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود. سه استانی که دارای بیشترین نسبت جمعیت بیکار بودند، یعنی استان‌های ایلام، لرستان و سیستان و بلوچستان در این خوشه‌بندی هر کدام در خوشه‌های مجزایی قرار گرفته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که رابطه‌ای بین نسبت جمعیت گروه عمده سنی ۱۵ تا ۶۴ سال به کل جمعیت هر استان و نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال بالای ده سال آن وجود ندارد. برای آزمون این موضوع از آزمون و ضریب همبستگی پیرسون استفاده نموده‌ایم.

جدول ۶- همبستگی بین نسبت گروه عمده سنی و نسبت بیکاری

نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال	نسبت جمعیت گروه عمده سنی ۱۵ تا ۶۴ سال به کل		
۰/۱۹۷	۱	ضریب همبستگی پیرسون	نسبت جمعیت گروه عمده سنی ۱۵ تا ۶۴ سال به کل
۰/۲۹۶		سطح معنی‌داری	
۳۰	۳۰	تعداد	
۱	۰/۱۹۷	ضریب همبستگی پیرسون	نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال
	۰/۲۹۶	سطح معنی‌داری	
۳۰	۳۰	تعداد	

جدول ۶ نتایج آزمون همبستگی را نشان می‌دهد. چون سطح معنی‌داری این آزمون ۰/۲۹۶ به دست آمده که از ۰/۰۵ بزرگتر است لذا رابطه معناداری بین دو نسبت جمعیت گروه عمده سنی ۱۵ تا ۶۴ سال به کل و نسبت جمعیت بیکار به فعال مشاهده نمی‌شود.

جمعیت فعال و بیکار: در ادامه رابطه بین تعداد جمعیت فعال در هر استان و تعداد جمعیت بیکار آن بررسی شده است. با توجه به تعاریف مرکز آمار از جمعیت فعال و جمعیت بیکار به نظر می‌رسد که باید رابطه مستقیمی بین این دو متغیر وجود داشته باشد. به این معنی که در استان‌های مختلف ایران هرچه تعداد جمعیت فعال بیشتر باشد احتمال وجود جمعیت بیکار (جویای کار) بیشتر است. جدول ۷ نتایج آزمون همبستگی انجام شده را نشان می‌دهد. که با توجه به سطح معنی‌داری محاسبه شده (۰/۰۰۰) کوچکتر از ۰/۰۱، با احتمال ۹۹ درصد رابطه بین این دو متغیر تأیید می‌گردد.

که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم و قوی بین دو متغیر است به این معنی که با افزایش جمعیت فعال در هر استان، جمعیت بیکار نیز افزایش یافته است.

جدول ۷- همبستگی بین جمعیت فعال و جمعیت بیکار

جمعیت فعال	جمعیت بیکار		
۰/۸۵۷**	۱	ضریب همبستگی پیرسون	جمعیت بیکار
۰/۰۰۰		سطح معنی‌داری	
۳۰	۳۰	تعداد	
۱	۰/۸۵۷**	ضریب همبستگی پیرسون	جمعیت فعال
	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۳۰	۳۰	تعداد	

\*\* همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است.

بنابراین با توجه به دو تحلیل اخیر می‌توان چنین اظهار نمود که صرف وجود جمعیت واقع در سن فعالیت (۱۵ تا ۶۴ سال) نمی‌تواند بیانگر وجود افراد جویای کار و لذا بالا رفتن نرخ بیکاری در هر استان گردد. به بیان دیگر وجود جمعیت واقع در سن فعالیت می‌تواند شرط لازم برای بالا بودن بیکاری باشد ولی شرط کافی نیست. شرط کافی را می‌توان فعال بودن جمعیت در هر استان است.

**سواد و جمعیت فعال:** از عواملی که می‌تواند بر فعال شدن افراد تأثیرگذار باشد، سطح سود افراد است. بدین ترتیب که هرچه سطح سواد افراد بالاتر رود، میل به اشتغال و فعالیت و توانایی و مهارت لازم جهت اشتغال در آن‌ها بیشتر می‌شود. این موضوع در دهه‌های اخیر به‌خصوص در مورد فعال شدن زنان در بازار اشتغال نقشی اساسی داشته است. بنابراین می‌توان چنین فرض کرد که هرچه تعداد افراد باسواد استان بیشتر باشد، جمعیت فعال آن نیز زیادتر است. برای آزمون فرضیه فوق از آزمون و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۸ نتایج آزمون آماری مذکور را نشان می‌دهد. بنابر نتایج به‌دست‌آمده رابطه بین جمعیت باسواد و جمعیت فعال با احتمال ۹۹ درصد تأیید می‌گردد و مقدار همبستگی آن ۰/۹۹۸ به دست آمده است که همبستگی خطی مستقیم و قوی را بین این دو متغیر نشان می‌دهد.

جدول ۸- همبستگی بین جمعیت باسواد و جمعیت فعال

جمعیت باسواد	جمعیت فعال		
۰/۹۹۸**	۱	ضریب همبستگی پیرسون	جمعیت فعال
۰/۰۰۰		سطح معنی داری	
۳۰	۳۰	تعداد	
۱	۰/۹۹۸**	ضریب همبستگی پیرسون	جمعیت باسواد
	۰/۰۰۰	سطح معنی داری	
۳۰	۳۰	تعداد	

\*\* همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار است.

مهاجرت و بیکاری: یکی دیگر از عوامل جمعیتی که می‌تواند بر بالا رفتن نیروی متقاضی کار تأثیرگذار باشد مهاجرت است. اغلب مهاجرت‌های کاری در دوران جوانی اتفاق می‌افتد. بدین معنا که جوانان بیشتر از افراد مسن برای پیدا کردن کار یا شرایط بهتر کاری دست به مهاجرت می‌زنند. این اتفاق معمولاً در دهه‌های اخیر با مهاجرت افراد جویای کار به شهرهای بزرگ ایران اتفاق افتاده است. بر این اساس به نظر می‌رسد که با بالا رفتن تعداد بیکاران در هر استان، تمایل مهاجران جویای کار برای مهاجرت به آن کاهش پیدا کند. جدول ۹ تعداد کل مهاجران وارد شده به استان‌های مختلف کشور را در فاصله بین سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۵ نشان می‌دهد. در عین حال این جدول تعداد مهاجران جویای کار را نیز در این باره زمانی برای هر استان نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان برای هر استان درصد مهاجرت‌هایی که برای پیدا کردن شغل و یا بهبود شرایط شغلی انجام شده را نسبت به کل مهاجرت‌های انجام شده به آن استان را محاسبه کرد. این نسبت در جدول ۹ محاسبه شده است. بنابراین به طور متوسط ۱۲/۸ درصد از مهاجران وارد شده به هر استان کشور مرتبط با کار بوده است. از میان استان‌های کشور چهار محال با ۸/۶ درصد کمترین و بوشهر با ۲۵/۴ درصد بیشترین نسبت مهاجران جویای کار را به خود پذیرفته‌اند. در ادامه تحلیل براساس این نسبت استان‌های کشور به سه گروه پایین، متوسط و بالا خوشه‌بندی شده‌اند. جدول ۱۰، جدول آنالیز واریانس مربوط به خوشه‌بندی آماری انجام شده می‌باشد، با توجه به مقدار آماره فیشر ( $F = 91/254$ ) به دست آمده برای داده‌های موجود و سطح معنی داری معادل آن ( $\text{sig} = 0.000$ ) که کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نشان می‌دهد خوشه‌بندی انجام شده حداکثر فاصله ممکن بین اعضای هر خوشه را در سطح اطمینان ۹۵ درصد لحاظ کرده است.

جدول ۹- تعداد و نسبت مهاجران وارد شده به استان به منظور جستجوی کار  
در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵

شماره خوشه	نسبت مهاجران جویای کار به کل مهاجران وارد شده	تعداد کل مهاجران جویای کار	علت مهاجرت		جمع کل مهاجران وارد شده	نام استان
			جستجوی کار بهبتر	جستجوی کار		
۱	٪۱۰/۱۰۰	۴۵۱۶۱	۱۹۸۷۶	۲۵۲۸۵	۴۵۳۲۱۶	آذربایجان شرقی
۱	٪۱۲/۲۰	۵۴۴۷۷	۲۱۸۹۱	۳۲۵۸۶	۴۴۴۴۳۷	آذربایجان غربی
۱	٪۹/۷۰	۱۹۳۹۷	۸۲۵۶	۱۱۱۴۱	۱۹۹۸۲۲	اردبیل
۱	٪۱۱/۹۰	۹۴۸۸۰	۳۶۳۷۵	۵۷۵۰۵	۷۸۸۷۲۵	اصفهان
۱	٪۹/۸۰	۹۶۶۱	۳۱۵۰	۶۵۱۱	۹۸۸۳۷	ایلام
۳	٪۲۵/۴۰	۵۰۵۷۱	۱۳۶۰۷	۳۶۹۶۴	۱۹۹۲۰۰	بوشهر
۲	٪۱۷/۶۰	۵۲۵۷۵۶	۱۷۲۵۲۴	۳۵۳۲۳۲	۲۹۸۳۸۸۹	تهران
۱	٪۸/۶۰	۱۱۳۳۵	۴۴۴۵	۶۸۹۰	۱۳۱۱۴۸	چهارمحال و بختیاری
۱	٪۱۰/۱۰	۱۳۷۰۹	۵۲۹۰	۸۴۱۹	۱۳۵۱۱۰	خراسان جنوبی
۲	٪۱۳/۱۰	۱۲۰۹۶۲	۵۱۷۴۵	۶۹۲۱۷	۹۲۴۶۷۴	خراسان رضوی
۱	٪۱۱/۶۰	۱۵۶۴۱	۵۶۳۶	۱۰۰۰۵	۱۳۴۸۲۷	خراسان شمالی
۱	٪۱۲/۳۰	۷۲۴۶۸	۲۴۷۴۱	۴۷۷۲۷	۵۸۸۵۴۴	خوزستان
۱	٪۹/۶۰	۱۵۵۱۸	۶۸۴۰	۸۶۷۸	۱۶۱۶۷۵	زنجان
۲	٪۱۶/۲۰	۲۰۷۵۳	۶۳۹۰	۱۴۳۶۳	۱۲۸۱۲۳	سمنان
۲	٪۱۳/۹۰	۳۶۸۹۹	۱۲۳۹۸	۲۴۵۰۱	۲۶۴۶۸۶	سیستان و بلوچستان
۲	٪۱۲/۹۰	۸۴۳۳۱	۳۲۳۱۳	۵۲۰۱۸	۶۵۴۰۹۹	فارس
۲	٪۱۴/۶۰	۳۲۸۸۷	۱۰۸۲۲	۲۲۰۶۵	۲۲۴۶۰۱	قزوین
۲	٪۱۳/۴۰	۲۲۱۱۲	۸۶۹۴	۱۳۴۱۸	۱۶۴۵۷۹	قم
۲	٪۱۲/۹۰	۳۳۵۱۰	۱۲۳۲۱	۲۱۱۸۹	۲۵۹۲۰۴	کردستان
۲	٪۱۵/۴۰	۵۶۱۸۹	۱۸۴۳۰	۳۷۷۵۹	۳۶۵۲۴۷	کرمان
۱	٪۱۰/۹۰	۲۸۸۸۸	۱۱۱۰۳	۱۷۷۸۵	۲۶۴۱۴۳	کرمانشاه
۱	٪۱۰/۱۰	۱۴۲۵۹	۴۳۶۹	۹۸۹۰	۱۴۱۳۱۴	کهگیلویه و بویراحمد
۱	٪۸/۶۰	۲۵۹۸۰	۱۲۵۶۲	۱۳۴۱۸	۳۰۰۸۸۵	گلستان
۱	٪۹/۶۰	۴۶۷۱۴	۲۲۶۸۳	۲۴۰۳۱	۴۸۵۹۸۹	گیلان
۱	٪۱۰/۴۰	۲۲۱۰۲	۸۶۸۸	۱۳۴۱۴	۲۱۳۲۴۳	لرستان
۱	٪۱۰/۶۰	۵۴۱۷۴	۲۴۷۷۶	۲۹۳۹۸	۵۱۰۸۲۲	مازندران
۲	٪۱۵/۴۰	۳۹۶۵۷	۱۳۲۸۵	۲۶۳۷۲	۲۵۸۲۱۹	مرکزی
۳	٪۲۱/۲۰	۵۰۵۷۷	۱۴۱۱۷	۳۶۴۶۰	۲۳۸۹۵۳	هرمزگان
۱	٪۱۰/۶۰	۲۵۲۵۲	۱۰۸۹۰	۱۴۳۶۲	۲۳۸۱۶۳	همدان
۲	٪۱۵/۸۰	۳۰۰۰۷	۱۱۵۷۵	۱۸۴۳۲	۱۸۹۷۷۴	یزد

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۸۵

جدول ۱۰- آنالیز واریانس خوشه‌بندی مهاجران وارد شده به دلیل کار (ANOVA)

سطح مقدار	خطا		خوشه		نسبت مهاجران وارده به علت اشتغال به کل مهاجران وارده
	آماره F معنی داری	درجه آزادی	میانگین مربعات	درجه آزادی	
۰/۰۰	۹۱/۲۵۴	۲۷	۰/۰۰	۲	۰/۰۱۸

جدول ۹ برای هر استان، نسبت مهاجران جویای کار به کل مهاجران وارد شده و شماره خوشه‌ای که در آن قرار گرفته است را نشان می‌دهد. خوشه اول (پایین) شامل ۱۷ استان با مرکز ۱۰/۲ درصد، خوشه دوم (متوسط) شامل ۱۱ استان با مرکز ۱۴/۷ درصد و خوشه سوم (بالا) شامل ۲ استان با مرکز ۲۳/۳ می‌باشند. همانطور که مشاهده می‌شود در خوشه سوم که بیشترین نسبت مهاجران جویای کار را به خود پذیرفته‌اند، استان بوشهر و هرمزگان قرار گرفته‌اند. این استان‌ها مطابق جدول ۲ در خوشه ۱ قرار گرفته بودند، یعنی جزو استان‌های با نسبت بیکاری پایین می‌باشند. بر این اساس به نظر می‌رسد رابطه معکوسی بین پذیرش مهاجران جویای کار (نسبت مهاجران جویای کار به کل مهاجران وارده) و نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال هر استان وجود داشته باشد. برای آزمون این فرضیه از آزمون و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول ۱۱ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده فرضیه مورد نظر را تأیید نمی‌کند چرا که سطح معنی‌داری به دست آمده ۰/۹۱ می‌باشد که بزرگتر از ۰/۰۵ بوده و نشان می‌دهد رابطه معناداری بین ورود مهاجران جویای کار و نسبت بیکاری در استان وجود ندارد. می‌توان چنین عنوان کرد که نقاط جذب نیروی کار مثل عسلویه، میدان پارس جنوبی و یا سایر پروژه‌های گازی و نفتی بزرگ عامل اصلی مهاجرت‌های کاری در دهه ۷۵-۸۵ به این دو استان بوده‌اند و نسبت بیکاری پایین به تنهایی عامل نیست که مهاجران جویای کار را به استان‌های با نرخ بیکاری پایین جذب کند.

جدول ۱۱- همبستگی بین مهاجرت و بیکاری در هر استان

نسبت مهاجران جویای کار به کل مهاجران وارده	نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال		
۳۱۴	۱	ضریب همبستگی پیرسون	نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال
۰/۰۹۱		سطح معنی داری	
۳۰	۳۰	تعداد	
۱	۰/۳۱۴	ضریب همبستگی پیرسون	نسبت مهاجران جویای کار به کل مهاجران وارده
	۰/۰۹۱	سطح معنی داری	
۳۰	۳۰	تعداد	

مثلاً نرخ بیکاری، بیکاری جوانان و مشارکت اقتصادی: در ادامه این پژوهش به خوشه‌بندی استان‌های کشور بر اساس دو شاخص اعلام شده از طرف مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری و نرخ بیکاری جوانان می‌پردازیم و رابطه این دو شاخص را با شاخص مشارکت اقتصادی هر استان ارزیابی می‌کنیم. به این منظور، استان‌ها بر اساس هر یک از شاخص‌های ذکر شده به سه گروه پایین، متوسط و بالا خوشه‌بندی شده‌اند. جدول ۱۲، جدول آنالیز واریانس مربوط به خوشه‌بندی آماری انجام شده برای هر یک از سه شاخص فوق را نشان می‌دهد، مقدار آماره فیشر، برای نرخ بیکاری، بیکاری جوانان و مشارکت اقتصادی به ترتیب برابر با ۵۹/۶، ۷۱/۷ و ۶۴/۵ به دست آمده و سطح معنی داری معادل آن‌ها در هر سه خوشه‌بندی ۰/۰۰۰ و کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین در خوشه‌بندی‌های انجام شده حداکثر فاصله ممکن بین اعضای هر خوشه در سطح اطمینان ۹۵ درصد لحاظ شده است.

جدول ۱۲- آنالیز واریانس خوشه‌بندی استان‌ها بر اساس نرخ بیکاری و نرخ بیکاری جوانان در سال ۱۳۸۵ (ANOVA)

سطح معنی داری	مقدار آماره F میانگین مربعات	خطا		خوشه		
		درجه آزادی	میانگین مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	
۰/۰۰	۵۹/۶۲۳	۲۷	۱/۴۲۰	۲	۸۴/۶۸۸	نرخ بیکاری
۰/۰۰	۷۱/۷۰۰	۲۷	۷/۰۴۴	۲	۵۰۵/۰۲۸	نرخ بیکاری جوانان
۰/۰۰	۶۴/۵۹۴	۲۷	۲/۷۸۳	۲	۱۷۹/۷۹۶	نرخ مشارکت اقتصادی

جدول ۱۳ اطلاعات مربوط به مراکز خوشه‌های به‌دست‌آمده را برحسب هر متغیر نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود مرکز سه خوشه به‌دست‌آمده برای نرخ بیکاری سه رقم ۷/۵۷، ۱۱/۷۶ و ۱۶/۰۷ است که تفاوت قابل توجهی با نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال بالای ده سال که در اول مقاله به‌دست‌آمده دارد. مراکز خوشه‌های نرخ بیکاری جوانان سه رقم ۱۶/۳۶، ۲۴/۶۳، ۳۶/۲ به‌دست‌آمده است. همانطور که مشاهده می‌شود نرخ بیکاری جوانان در هر سه خوشه بیشتر از دو برابر نرخ کل بیکاری و نشان‌دهنده بالا بودن نرخ بیکاری جوانان در کشور است.

جدول ۱۳- مراکز خوشه‌ها

خوشه	خوشه		
	۳	۲	۱
نرخ بیکاری	۱۶/۰۷	۱۱/۷۶	۷/۵۷
نرخ بیکاری جوانان	۳۶/۲	۲۴/۶۳	۱۶/۳۶
نرخ مشارکت اقتصادی	۴۵/۸۲	۴۱/۶۹	۳۶/۷۱

استان‌های کشور براساس نرخ مشارکت اقتصادی نیز خوشه‌بندی شده‌اند که سه خوشه آن به ترتیب سه رقم ۳۶/۷۱، ۴۱/۶۹ و ۴۵/۸۲ به‌دست آمده است. جدول شماره ۱۴ برای هر استان مقدار این سه شاخص و خوشه‌ای که استان براساس هر یک از این شاخص‌ها قرار می‌گیرد را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود ۵ استان یزد، زنجان، خراسان جنوبی، اردبیل و آذربایجان شرقی در خوشه استان‌های با مشارکت اقتصادی بالا قرار می‌گیرند. اگر به نرخ بیکاری و بیکاری جوانان و خوشه‌های این استان‌ها دقت کنیم متوجه می‌شویم که این استان‌ها در نرخ‌های مذکور در خوشه‌های پایین یا متوسط قرار می‌گیرند. در عوض استان‌های لرستان، کرمانشاه و کهگیلویه و بویراحمد که از لحاظ نرخ بیکاری در خوشه سوم یعنی نرخ بیکاری بالا قرار دارند، از لحاظ مشارکت اقتصادی در خوشه سوم یا خوشه مشارکت اقتصادی پایین قرار گرفته‌اند. استان ایلام نیز که از لحاظ نرخ بیکاری جوانان در خوشه سوم یا نرخ بیکاری جوانان بالا قرار دارد از لحاظ مشارکت اقتصادی در خوشه اول (مشارکت اقتصادی پایین) قرار گرفته است. بنابراین نتایج می‌توان این فرضیه را مطرح نمود که بین نرخ مشارکت اقتصادی با نرخ بیکاری و نرخ بیکاری جوانان رابطه معکوس وجود دارد. به این معنی که با افزایش مشارکت اقتصادی در هر استان نرخ بیکاری در آن کاهش می‌یابد. برای آزمون این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۱۴- نرخ مشارکت اقتصادی، بیکاری جوانان و بیکاری در استان‌های کشور

استان	نرخ مشارکت اقتصادی	نرخ بیکاری جوانان	نرخ بیکاری	خوشه استان بر اساس نرخ مشارکت اقتصادی	خوشه استان بر اساس نرخ بیکاری جوانان	خوشه استان بر اساس نرخ بیکاری
آذربایجان شرقی	۴۹	۱۰/۴	۵/۳	۳	۱	۱
آذربایجان غربی	۴۱/۵	۱۷/۸	۱۰	۲	۱	۲
اردبیل	۴۴/۲	۲۲/۷	۱۱/۱	۳	۲	۲
اصفهان	۴۲/۴	۲۱/۳	۱۱	۲	۲	۲
ایلام	۳۷/۷	۳۵/۶	۱۳/۶	۱	۳	۲
بوشهر	۳۶/۵	۲۲/۶	۱۰/۵	۱	۲	۲
تهران	۴۰/۹	۲۷/۹	۱۳	۲	۲	۲
چهارمحال و بختیاری	۳۷/۵	۲۴/۸	۱۲/۵	۱	۲	۲
خراسان جنوبی	۴۵	۲۵/۸	۱۱	۳	۲	۲
خراسان رضوی	۴۰/۸	۱۶/۴	۸/۶	۲	۱	۱
خراسان شمالی	۳۵/۲	۱۸	۷	۱	۱	۱
خوزستان	۳۶/۶	۲۷/۵	۱۲/۸	۱	۲	۲
زنجان	۴۶/۳	۲۲/۹	۱۱/۶	۳	۲	۲
سمنان	۳۷/۱	۲۶/۷	۱۰/۶	۱	۲	۲
سیستان و بلوچستان	۲۸/۳	۲۳/۳	۱۰/۹	۱	۲	۲
فارس	۳۸/۳	۲۶/۲	۱۳/۷	۱	۲	۲
قزوین	۳۸/۱	۲۲/۸	۱۰/۳	۱	۲	۲
قم	۳۶/۵	۲۰/۶	۱۱/۱	۱	۲	۲
کردستان	۳۹/۳	۲۲/۴	۱۰/۶	۲	۲	۲
کرمان	۴۱/۹	۲۶/۸	۱۳/۴	۲	۲	۲
کرمانشاه	۳۶/۱	۳۴/۹	۱۶/۵	۱	۳	۳
کهگیلویه و بویراحمد	۳۴/۳	۳۹/۵	۱۵/۵	۱	۳	۳
گلستان	۴۲/۳	۱۷/۷	۹	۲	۱	۱
گیلان	۴۲/۲	۲۸	۱۱/۴	۲	۲	۲
لرستان	۳۷/۹	۳۴/۸	۱۶/۲	۱	۳	۳
مازندران	۴۱/۹	۲۱/۳	۸	۲	۲	۱
مرکزی	۳۸/۸	۲۸/۴	۱۲/۵	۱	۲	۲
هرمزگان	۳۱/۸	۱۹/۷	۷/۷	۱	۱	۱
همدان	۴۱/۷	۲۶	۱۳/۵	۲	۲	۲
یزد	۴۴/۶	۱۴/۵	۷/۴	۳	۱	۱

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۸۵

جدول ۱۵ نتایج آزمون همبستگی انجام شده را نشان می‌دهد. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود مقدار همبستگی پیرسون بین نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری جوانان ۰/۴۳۴ - به دست آمده است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری به دست آمده (۰/۰۱۷) کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ است، رابطه به دست آمده معنادار می‌باشد و به این معنی که بین نرخ مشارکت اقتصادی و بیکاری جوانان رابطه معکوس وجود دارد. اما مقدار سطح معنی‌داری به دست آمده بین نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری (۰/۰۹۱) کوچکتر از ۰/۰۵ نبوده بنابراین نمی‌توان وجود رابطه بین این دو متغیر را با اطمینان تأیید کرد. بنابراین نرخ مشارکت اقتصادی در هر استان می‌تواند در پایین آمدن بیکاری جوانان آن استان تأثیر داشته باشد.

جدول ۱۵- همبستگی بین نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری جوانان و نرخ بیکاری در هر استان

نرخ مشارکت اقتصادی	نرخ بیکاری جوانان	نرخ بیکاری	
۱	-۰/۴۳۴	-۰/۳۱۴	نرخ مشارکت اقتصادی
	۰/۰۱۷	۰/۰۹۱	
۳۰	۳۰	۳۰	
-۰/۴۳۴	۱	۰/۹۰۳**	نرخ بیکاری جوانان
۰/۰۱۷		۰/۰۰	
۳۰	۳۰	۳۰	
-۰/۳۱۴	۰/۹۰۳**	۱	نرخ بیکاری
۰/۰۹۱	۰/۰۰۰		
۳۰	۳۰	۳۰	

\*\* همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است.

### نتیجه‌گیری

خوشه‌بندی استان‌های کشور براساس متغیر نسبت جمعیت بیکار نشان می‌دهد سه استان بلوچستان، لرستان و ایلام می‌شود در خوشه نسبت به جمعیت بیکار بالا (با نسبت بیکاری ۲۶/۷ درصد) قرار گرفته‌اند. نسبت بیکاری این استان‌ها تقریباً ۳ برابر خوشه اول است. بنابراین

می‌توان نتیجه گرفت که بیکاری این استان‌ها و دیگر استان‌های کشور تفاوت قابل توجهی دارد. بررسی جمعیت واقع در سن فعالیت یعنی جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال نشان می‌دهد که به‌طور متوسط در هر استان ایران ۶۹ درصد جمعیت آن بین سن ۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارند. استان سیستان و بلوچستان با  $58/2\%$  کمترین و خوزستان با  $76/65\%$  بالاترین نسبت را دارا می‌باشند. سه استانی که دارای بیشترین نسبت جمعیت بیکار بودند، در خوشه‌بندی استان‌ها براساس جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال هرکدام در خوشه‌های مجزایی قرار گرفته‌اند. آزمون همبستگی نیز نشان داد که رابطه‌ای بین نسبت جمعیت گروه عمده سنی ۱۵ تا ۶۴ سال به کل جمعیت هر استان و نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال بالای ده سال آن وجود ندارد.

بررسی رابطه بین تعداد جمعیت فعال در هر استان و تعداد جمعیت بیکار آن همبستگی معنی‌دار  $0/875$  را نشان داد. بنابراین با توجه به دو تحلیل اخیر می‌توان چنین اظهار نمود که صرف وجود جمعیت واقع در سن فعالیت (۱۵ تا ۶۴ سال) نمی‌تواند بیانگر وجود افراد جویای کار و لذا افزایش احتمال بالا رفتن بیکاری در استان گردد. به بیان دیگر وجود جمعیت واقع در سن فعالیت می‌تواند شرط لازم برای بالا بودن بیکاری باشد ولی شرط کافی نیست. شرط کافی را می‌توان بالا بودن جمعیت فعال در هر استان دانست.

بررسی رابطه بین سواد و جمعیت فعال نشان می‌دهد که هرچه تعداد افراد باسواد در هر استان بیشتر باشد، جمعیت فعال آن استان نیز زیادتر است. مقدار همبستگی دو متغیر  $0/998$  به‌دست آمده که حاکی از همبستگی خطی مستقیم و قوی بین این دو متغیر است.

بررسی مهاجرت‌های مبتنی بر جستجوی کار نشان می‌دهد که به‌طور متوسط  $12/8$  درصد از مهاجران واردشده به هر استان کشور مرتبط با کار بوده است. از میان استان‌های کشور استان بوشهر و هرمزگان بیشترین مهاجران جویای کار را به خود پذیرفته‌اند. این استان‌ها مطابق جدول نسبت بیکاری در خوشه اول قرار گرفته بودند، یعنی جزو استان‌های با نسبت بیکاری پایین هستند. بررسی رابطه همبستگی بین مهاجران جویای کار و نسبت بیکاری در هر استان وجود رابطه بین این دو متغیر را تأیید نمی‌کند بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علت بالا بودن مهاجرت کاری به این دو استان وجود نقاط جذب نیروی کار مثل عسلویه، میدان پارس جنوبی و یا سایر پروژه‌های گازی و نفتی بزرگ هستند و نقاط هدف مشخص تأثیر بیشتری در جذب مهاجران کار دارند.

نتایج بررسی نرخ بیکاری جوانان و نرخ بیکاری نشان داد که نرخ بیکاری جوانان به‌طور متوسط بیش از دو برابر نرخ بیکاری است که نشان‌دهنده بالا بودن نرخ بیکاری جوانان در کشور است. مقدار همبستگی پیرسون بین نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری جوانان در بین

استان‌های کشور ۴۳۴/۰- به دست آمده است، بدین معنی که با افزایش نرخ مشارکت اقتصادی در هر استان نرخ بیکاری جوانان در آن کاهش می‌یابد. این در حالی است که وجود رابطه بین نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری تأیید نمی‌گردد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افزایش مشارکت اقتصادی بیش از آنکه بر نرخ بیکاری تأثیرگذار باشد بر نرخ بیکاری جوانان مؤثر است یعنی افزایش مشارکت اقتصادی کاهش نرخ بیکاری جوانان را دربر خواهد داشت.

کینز<sup>۱</sup> معتقد است که بیکاری نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری است و برخلاف نظر کلاسیک‌ها که تعادل سرمایه‌گذاری و پس‌انداز را امری طبیعی و به‌طور خودبخودی قابل حصول می‌دانستند وی با حصول طبیعی چنین تعادلی مخالفت کرد (سپهر، ۱۳۴۵: ۲-۴). طبق نظریات کینز و طرفدارانش، کافی نبودن سرمایه‌گذاری و وجود دام نقدینگی می‌تواند مانع از وجود تعادل اشتغال کامل گردد. از این رو اعمال سیاست‌های مالی تنها وسیله عملی حرکت به سوی اشتغال کامل است (رابینسون<sup>۲</sup>، ۱۳۵۳: ۱۱). کینز نقش دولت را در زمینه اشتغال چنین عنوان می‌کند: نقش دولت در افزایش سطح اشتغال از طریق افزایش مستقیم هزینه‌های دولتی و یا به وسیله سیاست‌های او که به‌طور غیرمستقیم سرمایه‌گذار خصوصی را تشویق می‌کند، صورت می‌گیرد (استوارت<sup>۳</sup>، ۱۳۴۹: ۵۶).

نتایج این تحقیق نشان داد بیکاری در سطح استان‌های کشور متفاوت است و عوامل جمعیتی (عرضه نیروی کار) تأثیر قابل توجهی بر نرخ بیکاری در هر استان دارند. تجربه استان‌های بوشهر و هرمزگان در جذب مهاجران کار به خاطر پروژه‌های نفتی اجرا شده، نقش سرمایه‌گذاری دولتی را در ایجاد فرصت‌های کاری و جذب نیروی کار نشان می‌دهد. از طرف دیگر رابطه معکوس بین مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری جوانان نیز تأثیر فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی را در کاهش بیکاری نشان می‌دهد. این مقاله با تطبیق نتایج به دست آمده و نظریات کینز، راهکار کاهش بیکاری را با توجه به نقش غیرقابل انکار دولت در اقتصاد کشور در دو راهکار همزمان می‌داند. اول سرمایه‌گذاری دولتی در صنایع و پروژه‌های کلان و دوم ایجاد شرایط اقتصادی و حقوقی مساعد برای ارتقاء مشارکت اقتصادی بخش خصوصی و افراد در استان‌هایی از کشور که نرخ بیکاری آن‌ها بالاست.

1. John Maynard Keynes

2. Robinson

3. Stewart

## منابع

- احمدیان، امید (۱۳۸۳)، اشتغال و بیکاری: بررسی اثر سهم جمعیتی نسل جوان (۱۵ تا ۲۹ ساله) بر نرخ اشتغال و بیکاری در ایران (دوره مطالعه ۱۳۶۵-۸۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- استوارت، مایکل (۱۳۴۹)، کینز، (ترجمه هوشنگ نهاوندی)، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- امین‌زاده، فرخ (۱۳۵۸) جمعیت‌شناسی کار: منابع انسانی و توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- بدیع، کامبیز و دیگران (۱۳۸۴) خوشه‌بندی، تهران: نشر دریچه.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی کار، تهران: نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۳) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، (ترجمه هوشنگ ناییبی)، تهران: نشر نی.
- رایینسون، جون (۱۳۵۳)، مقدمه‌ای بر نظریه اشتغال، (ترجمه احمد شهشهانی)، تهران: انتشارات جامعه و اقتصاد.
- سپهر، جعفر (۱۳۴۵)، بیکاری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرجادی، غلامعلی (۱۳۸۳)، آموزش عالی، اشتغال و رشد، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- کاظمی‌پور، شهلا (تابستان ۱۳۸۵) «تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۱، سال یکم.
- کمالی، حسین (۱۳۸۱) اقتصاد سیاسی روابط کار در ایران، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گرینت، کیت (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی کار، (ترجمه رضوان صدقی‌نژاد)، تهران: نشر علم.
- مانلی، بی.اف، جی (۱۳۷۳)، آشنایی با روش‌های آماری چندمتغیره، (ترجمه محمد مقدم و دیگران)، تهران: نشر پرپور.
- مرکز آمار ایران (۳۸۹) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ (www.amar.org.ir).